

اصطلاحات نجومی در اشعار
سعود سعد سلمان

علی - لالوند

گامگاه

سرشناسه : جلالوند، علی، ۱۳۶۵ -

عنوان اصلی : دیوان برگزیده. شرح

Divan Selection. Interpretation

عنوان ترجمه : اصطلاحات نجومی در اشعار مسعود سعد سلمان/ علی جلالوند.

مشخصات نشر : آرا : نگار کمال، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری : ۸۷ ص.

شابک : ۶۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ : ۶-۳-۹۶۰۴۰-۶۰

وضعیت فهرست نویسی : فیا

یادداشت : کتابنامه: ص. ۸.

موضوع : مسعود سعد سلمان، ۱۱۰۰ - ۱۱۶۰ ق. دیوان - نقد و تفسیر

موضوع : شعر فارسی - قرن ۵ق. - تاریخ و نقد

موضوع : Persian poetry - History and criticism - ۱۱th century

موضوع : نجوم در ادبیات

Astronomy in literature : موضوع

شناسه افزوده : مسعود سعد سلمان، ۹۴۳۸ - ۵۱۵ق. دیوان، تفسیر، شرح

رده بندی کنگره : PIR۴۷۴۴ / ۹۰۸۵ج ۸ ۱۳۹۵

رده بندی دیویی : ۸۹۰۲۲/۱ فا

شماره کتابشناسی ملی : ۴۴۸۶۹۶۶

نگارکال

ادب و اطلاعات نجومی در اشعار مسعود سعد سلمان

مؤلف: علی رونند

طراح جلد: بهاره استاق

ناشر: نگارکال

نوبت چاپ: اول - ۱۳۸۵

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۰۴۰۰۳-۶

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

فهرست مطالب :

۷	پیش گفتار
۱۲	مقدمه
۱۳	یافته‌های توصیفی
۱۳	اثیر
۱۴	اسد
۱۵	اکلیل
۱۶	بنات النعش
۱۹	پروین
۲۴	تین (اژدها)
۲۵	ثور
۲۶	جدی
۲۶	جوزا
۲۹	حمل
۳۱	حوت
۳۲	خرچنگ (سرطان)
۳۵	خورشید
۳۹	زهره
۴۴	سعد و نحس
۴۷	سنبله
۴۸	سها
۴۹	عطارد

۵۳		عقرب
۵۴		عیوق
۵۵		قمر (ماه)
۶۱		قوس
۶۲		کف الخضیب
۶۳		کیوان (زحل)
۷۱		مریخ (بهر)
۷۸		مشتری (پنجشنبه)
۸۴		میزان
۸۶		منابع

پیش‌گفتار :

در قدیم، مردم با آسمان و ستارگان و صورت‌های فلکی و اعتقادات و باورهایشان زندگی می‌کردند و وضع ستارگان را در سرنوشت و وضع زندگانی خود مؤثر می‌دانستند. این اعتقادات ناشی از مجهول بودن رابطه علت و معلولی موجود بین پدیده‌های مختلف بود. «مردم قدیم در طی فزون متمادی از طریق مشاهدات و تجارب شخصی، تغییرات جوی، وقوع باد، زلزله، کسوف و خسوف، باران و... را پیش‌بینی کرده و برای هریک حکمی صادر نموده‌اند و از این راه مجموعه‌ای از قوانین و احکام به وجود آمده است که مانند سایر اجزای فرهنگ عامه سینه‌به‌سینه از نسلی به نسل دیگر منتقل شده و امروزه به دست ما رسیده است. این عقاید به هر صورت جزو دانش عوام و فرهنگ عامه است و چون از عقل و حکمت عامیانه و ذوق و دقت توده مردم مایه گرفته‌اند، از لحاظ مردم‌شناسی مایار توجه هستند.

مردم در گذشته در بستری از باورهای عامیانه و غیرعلمی زندگی می‌کردند. جهل نسبت به ماهیت و علت اشیا و پدیده‌ها باعث به وجود آمدن تفکرات و باورهای نجومی شد. مسائل نجوم و ستارگان را می‌توان از اولین موضوعات دانست که بشر کنجکاو و حقیقت‌جو را در سکوت و تنهایی شب به دیدن خود دعوت کرده است. در این میانه مسائلی را که نمی‌توانستند درک کنند با خرافه‌ها مخلوط کردند و البته دانشمندان زیادی از ایرانیان (به گواه تاریخ) در نفی و یار دادن مسائل تلاش بسیاری کرده‌اند. همین بس که می‌توان ایران را یکی از خاستگاه‌های این علم در جهان چه قبل یا بعد از اسلام دانست، بالاترین تبلور این علم را در ایران می‌توان بعد از اسلام در فرهنگ ایران خاصه در اشعار فرهیختگان ایرانی دید. به نحوی که بررسی این آثار می‌توان دید که این دانشمندان و شاعران، علیرغم پذیرش بی‌چون و چرای بعضی خرافه‌ها به وضوح یا تلویحاً سعی در اصلاح این تفکر داشته‌اند که از این افراد می‌توان به: ابوریحان بیرونی، خواجه نصیرالدین طوسی، ابوبکر محمد بن زکریای رازی و شاعرانی چون مسعود سعد، حافظ، سعدی و سنایی، خاقانی، نظامی و... اشاره کرد.

مردم در گذشته در بستری از باورهای عامیانه و غیرعلمی زندگی می‌کردند. جهل نسبت به ماهیت و علت اشیا و پدیده‌ها باعث به وجود آمدن تفکرات و باورهای نجومی شد.

منظور از باورهای نجومی عقاید و باورهایی است که مردم در زمان‌های قدیم دربارهٔ اجرام ستارگان سماوی و تأثیرات آن‌ها بر زندگی خویش و عناصر طبیعت داشته‌اند. مثل این باور که نور خورشید باعث به وجود آمدن سنگ‌های قیمتی مثل لعل و یاقوت و عقیق می‌شود با این تصور که نور ماه پارچه کتان را می‌سوزاند.

مردم آن زمان‌ها بر پایهٔ تصورات خود زمین را در مرکز عالم قرار دادند و آن را ساکن پنداشتند و افلاک را متحرک و گردان خواندند.

محققان برای بهره بردن از میوه این طوبی نیازمند فهم و درک مسائلی هستند که امروز نادرست بود. آن را خود همانند دیگران پذیرفته‌اند درحالی که پیشینیان آن‌ها را از مسلمات می‌پنداشتند. در سده ششم هجری وقتی که شاعر به معرکه دنیا نظاره می‌کرد حقه این شعبده گاه را گردان و مهر، آن را ثابت و استوا می‌یافت. (ماهیار، ۱۳۹۲)

اگر بخواهیم ریشه نجرم در ادبیات را پیدا کنیم باید ناچار به تاریخ ادبیات رجوع کنیم. بعد از رجوع به تاریخ ادبیات خواهیم فهمید که اولین شاعر پارسی‌گوی یعنی رودکی به بحث‌های زیادی اعم از طب، نجوم و... پرداخته اما متأسفانه آثار گران‌بهای این شاعر ارجمند در آتش بیداد مغول‌ها سوخته شده و تنها شاید در درسد از این آثار باقی‌مانده است. اما بعد از رودکی استاد پارسی سرایان نجیب‌زاده، فردوسی را می‌بینیم که در بیشتر ابیات خود از نام‌های تیر و مهر و بهرام و کیوان و... استفاده کرده، به‌عنوان مثال این استاد سخن در آغاز کتاب خود این چنین می‌فرماید:

خداوند کیوان و گردان سپهر
فروزندهٔ ماه و ناهید و مهر

اما نجوم در ادبیات به‌صورت گسترده از همان اول وجود داشته ولی نه به‌صورت تخصصی و فقط نامی از اجسام معروف آسمان برده شده که این اجسام در آن زمان نماد و یا نشانهٔ بعضی اسطوره‌ها بوده به همین دلیل این اسامی به‌عنوان اسما مقدس در ادبیات جای گرفته‌اند. مثلاً در شاهنامه اگر نام مهر آمده با ریشه‌یابی می‌فهمیم شاعر بزرگ فردوسی به طریزی ماهرانه امر غیرمستقیم در بعضی مصراع‌ها به‌جز در نظر گرفتن نام اصلی جسم به دین مقدس ایرانیان باستان، زرتشت اشاره دارد بنابراین نمی‌شود بگوییم که نجوم در همان اوایل به‌صورت تخصصی در ادبیات گنجانده شده است. در تفسیر این ابیات با در نظر گرفتن مصراع‌های آغازین کتاب درمی‌یابیم منظور نجیب‌زاده پارسی، از خداوند خالق و مخلوق جهان بوده که تمام اشیا یا به قول قرآن کریم [و هو کل شیء العلیم] آفریننده سیارات است که این نجیب‌زاده بانام‌های کیوان یا زحل اعراب و سپهر و... اشاره کرده است. اگر نگاهی به این دیباچه بیندازیم می‌بینیم این بیت سومین است، درحالی که اولین بیت مدح خدای و دومین بیت اشاره‌ای به خلقت انسان است و روزی دادن

وسط خدا و سومین بیت مستقیماً علم را وارد دیباچه کرده، از این خلق فردوسی درمی یابیم که در آن زمان علم نجوم در جایگاهی والا قرار داشته است.

اگر بخواهیم قدمت نجوم تخصصی در ادبیات را مورد کنکاش قرار دهیم شاید به جرئت بتوان گفت که اصلاً تاریخی ندارد چون تماماً نجوم در ادبیات گذشته عوام پسند بوده و شاعر نیز شعارش را طوری بیان می کرده که خیل عظیم عوام مردم آن را درک کنند و بیشتر از اوزانی راحت الهضم و کثیرالاستعمال استفاده می کرده و از همه مهم تر شاعر نمی توانسته مقدسات و یا اورهای مردم را به سخره بگیرد؛ به جز اندک مواردی که آن هم فقط مختصر توضیحی در رابطه با روح و حسیض گفته می شده که بیشتر در اشعار خاقانی و سنایی یافت می شود. در اشعار خاقانی چه قصیده و چه غزل ممکن نیست که در ده صفحه به کلمه هایی در رابطه نجوم برنخوریم مگر این که شاعر به مدح شخصی پرداخته باشد، لازم به ذکر است که خاقانی یکی از اندک شاعران و بهتر بگوییم اولین شاعری است که نجوم را به این گستردگی در ادبیات به کار گرفت.

هر وقت نام نجوم در ادبیات می آید پیش خودمان فکر می کنیم در مورد مسائل معمولی نجوم بحث شده است؛ چه در شعر چه در داستان در شعر که چکامه سرایان زیادی داریم از جمله شیخ اجل، خیام، خاقانی، فردوسی و... در داستان نیز نویسندگان خارجی مثل ژول ورن را داریم که نجوم را وارد بعدی از خیالاتی اما حقیقی می آند و داستان را در برابر خرافه های نه چندان خرافه ایمن می کند. (انجمن ادبی شهریار ۱۳۹۰)

کسانی که با ادب پارسی و متون نظم و نثر مربوط به این ادب عملاً آشنایی نزدیک دارند، به خوبی می دانند که شعر و ادب فارسی تنها گنجینه بی انتهای مفاهیم و ابداعات و توصیفات کم نظیر در خصوص جنبه های کمی و کیفی زندگی نیست بلکه بخش بزرگ از این گنجینه را به همین علت انعکاس دانش های کهن که علم نجوم در شمار قدیمی ترین آن هاست به خود اختصاص داده است و با تعمق در متون ادبی به ویژه متن های شعری درمی یابیم که این علم با بسیاری از مسائل و معماهای خود در دوره های معینی بیشتر و در ادوار دیگر کمتر، شعر و همچنین نثر فارسی را میدان ظهور و بروز خود ساخته است. به نحوی که فهم بسیاری از اجزا این متون در بیشتر ادوار بدون آشنایی قبلی با مصطلحات نجومی به ویژه نجوم احکامی دشوار به نظر می آید. (مصفا، ۱۳۸۱)

میراث مکتوب - برای مخاطبان متون ادبی فارسی، حتی مخاطبان خاص، همیشه درک اشارات و اصطلاحات نجومی مندرج در این متون معضل آفرین بوده است؛ این مسئله، به ویژه، در مورد شعر علمی که در اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم متداول شد، عموماً و اشعار سبکی که به

«آذربایجانی» نام بردار است خصوصاً آشکارتر است و ضرورت تدوین پژوهش‌هایی در این زمینه را آشکار می‌سازد. (ماهیار، ۱۳۹۳، ۷۵۲)

صرف نظر از یکدسته اشعار تعلیمی در زمینه علم نجوم و احکام آن بسیاری از قصاید و منظومه‌های شعر رمانتیک یا عاشقانه و عرفانی و نیز حماسی و گاه برخی از تغزلات با این اصطلاحات یا با اشارات گوناگون به علوم فلکی آمیخته شده‌اند. این معنی در شعر دوره سلجوقی و در نظم گویندگانی چون منوچهری و انوری و سنایی و خاقانی و نظامی به وضوح دیده می‌شود و بسا اتفاق می‌افتد که در یک قصیده مدحی و وصفی، یا در بخشی از یک منظومه عشقی یا عرفانی، قبل آنکه آن منظومه یا قصیده به پایان خود نزدیک شو دو گاهی از همان آغاز تبدیل به نوعی شعر تعلیمی در علم نجوم و بیان موقع ظاهری اشکال فلکی می‌گردد؛ و به نظر می‌آید که گوینده آن شاعری است منبسم یا منجم است که به گفتن شعر به قصد بیان مسائل فلکی یا تعلیم و ارائه آن مسائل یا به منظور نشان دادن آگاهی خود از آن‌ها روی آورده است. در همین دوره به وفور و در برخی از ادوار دیگر نیز جبهه‌های خرافی و اساطیری اختران و باورهای عامیانه در خصوص کیهان و پدیده‌های آن چشم‌اندازی را به خود گرفته و تقریباً در همه ادوار احساس شاعرانه حتی در نثر نسبت به زیبایی ظاهری آسمان پدید می‌آید. هفت آن سبب خلق هزاران تعبیر و کنایه و توصیف شده است و به شاعرانی برمی‌خوریم که به خیال در فواصل افلاک و اختران عروجی روحانی برای خود ترتیب داده‌اند و گویندگانی را می‌بینیم که مجرد از همه این احوال به ابدیت و بی‌انتهایی جهان اندیشیده و از جهان ذهنی و کوچک بلیزموس پای اندیشه را فراتر نهاده‌اند. و نیز شاعرانی را می‌بینیم که با وقوف کامل یا نسبی به علوم فلکی و احکامی زمان خود با قاطعیت تمام با نجوم حشوی و معتقدات احکامی خرافی که بازمانده کیش‌های صابی و ستارهای در رواج یکتاپرستی است به گونه‌های مختلف به ستیز برخاسته‌اند. (مصطفی، ۱۳۸۸)

مسعود سعد از جمله شاعرانی است که اولاً اشارات نجومی فراوانی در اشعار خود دارد و از سویی تصاویر تازه‌ای با به کارگیری از دانش گسترده نجومی در دیوان خود آورده است؛ لذا شایسته است که به صورت توصیفی و علمی نیز مورد بررسی قرار گیرد و همچنین بررسی شود که این اطلاعات گسترده و دانش شاعر در مورد نجوم چه تأثیری چه از لحاظ فکری و چه از لحاظ زیباشناختی در بیان مفاهیم مورد نظر شاعر دارد.

مسعود سعد از جمله شاعرانی است که اولاً اشارات نجومی فراوانی در دیوان اشعار خود دارد و از سویی تصاویر تازه‌ای با به کارگیری از دانش گسترده نجومی در دیوان خود آورده است؛ لذا شایسته است که به صورت توصیفی و علمی نیز مورد بررسی قرار گیرد و همچنین بررسی شود که

این اطلاعات گسترده و دانش شاعر در مورد نجوم چه تأثیری چه از لحاظ فکری و چه از لحاظ زیباشناختی در بیان مفاهیم مورد نظر شاعر دارد.

هدف پژوهش حاضر، بررسی فرهنگ توصیفی اصطلاحات نجومی قصاید مسعود سعد سلمان می‌باشد. در این کار از منابع مختلف علمی و ادبی بهره گرفته شده است. به اصطلاحاتی توجه شده است که بیشترین تعداد استفاده شاعر از آن‌ها را داشته است. ابتدا هر اصطلاح به صورت مفصل توضیح داده شده و نظریات درج شده از منابع مربوطه استخراج شده است. نمونه‌هایی از اشعاری که سایر شاعران در این زمینه سخنی گفته‌اند عنوان شده است. سپس اصطلاحات نجومی قصاید مسعود سعد استخراج شده و تعداد آماری آن‌ها در ابتدای بحث ذکر شده است. تصویرسازی‌های شاعر و نحوه بکار بردن این اصطلاحات در کلام منظوم شاعر بررسی شده که خوانندگان جنبه زیبایی‌شناختی آن‌ها را درک کنند. این پژوهش نشان‌دهنده تسلط شاعر بر این علوم است. علمی که در گذشته به صورت پورهای اغلب عامیانه بکار گرفته شده است. پژوهش حاضر کمک شایانی می‌تواند در کمک به پژوهش‌های مشابه داشته باشد. علی جلالوند بهار ۹۵